

گناه بخشی

وبهشت فروشی

تحلیلی پیرامون گناه از نظر تعالیم انجیلی و بیان خرافه گناه-
بخشی و بهشت فروشی از بابان کلیسا

گرچه مسأله گناه بخشی در کتابهای مقدس مسیحیت، با همه بدآموزیها و خرافی بودنشان، مفایر با آنچه که بنیاداً در کلیساها رواج پیدا کرد، به چشم می خورد، لکن از بابان کلیسا برای جذب توده ها باین معابد و جلب توجه آنها به سوی خود رسوائی راه آخردساندند.

از مطالعه ودقت در کتابهای مقدس مسیحیان (تورات و اناجیل موجود) این حقیقت آشکارا به چشم می خورد که انسان ذاتاً وبالغیره آلوده و گنهکار است! نویسندگان این منابع مذهبی به پیروی از عقاید خرافی مصریان قدیم؛

بحث و بررسی در تعالیم کلیسا و محتویات عهدین، انسان را دچار شکفتی می سازد. يك کاوشگر بی-غرض هنگامیکه به تحلیل تعالیم کلیسا و مطالعه «کتاب مقدس» مسیحیت می پردازد، انگشت حیرت به دندان می گزد و شاید گاهی بخاطر آن از هرچه که رنگی از دین و ارتباطی با مذهب دارد می گریزد.

از جمله مسائلی که توجه و درک عمیق آن، هر انسان اندیشمند را دچار حیرت، می سازد، مسأله خرافاتی گناه بخشی و بهشت فروشی رهبران کلیسا است!

یونانیان و بوداییان (۱) مسأله فدا و قربانی شدن مسیح را به عنوان بخشش گناه ذاتی و موروثی تعبیر و تعلیل کرده‌اند .

مثلا در رساله «پولس رسول» به رومیان می‌خوانیم: «زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر شده‌اند؛ و به فیض او مجازاً عادل شمرده می‌شوند به وساطت آن فدیهای که در عیسای مسیح است؛ که خدا او را از پیش معین کرد تا کفار باشد به واسطه ایمان. به وسیله خون او؛ تا آنکه عدالت خود را ظاهر سازد به سبب فرو گذاشتن خطایای سابق (گناه آدم و حوا) در حین تحمل خدا... (رساله پولس رسول به رومیان باب ۳ جمله‌های ۲۵ - ۲۰) (۲)

طبق این تمالیم انجیلی، نخست انسان موجودی گناهکار و ستمگر معرفی می‌شود و در جمله‌های پیش از آن تباهی ذاتی و ستمکاری او را آنچنان می‌داند که دستورها و احکام هیچ شریعت و دینی، نمی‌تواند انسان را عادل، آشنا به وظائف، و عارف به عظمت و جلال خداوندی سازد، سپس

چون کیفر بندگان آلوده و گناهکار ذاتی را با عدالت خداوندی، مناسب نمی‌بیند، برای بخشودن و معفو خطایای سابق و اظهار عدالت خدا؛ تنها ایمان به عیسای مسیح (نه عمل به احکام او) را کافی دانسته خون او را «فدیة و کفاره» این گناه می‌پندارد .

با آنکه عقیده نامعقول کفار شدن خون مسیح، برای گناهان انسان با هیچ دلیل و منطقی، دلیل و منطبق نیست، در عین حال، مورد پذیرش تمام فرقه‌های مسیحیت قرار گرفت. «اما ناول اثر تیر» که خود یکی از دانشمندان مسیحی است در کتاب «مذاهب بزرگ» می‌نویسد: انسان در بهشت از فرمان خدا سرپیچی کرد و در نتیجه صفات و فضائل اولیه خود را از دست داد و هنوز هم نژاد بشر در زیر بار و شکنجه خطای انسان نخستین است! خدا خواست انسان را نجات دهد لذا رستگاری و نجات او را در فداکاری خونین پسرش تشخیص داد (۳).

در «قاموس کتاب مقدس» نیز ذیل کلمه گناه چنین می‌خوانیم: کتاب مقدس مبدأ پیدایش گناه را به والدین اول مانسبت می‌دهد لهذا هیچکس

(۱) مصریان قدیم معتقد بودند که «اری روس» برای اظهار همدردی با بندگان، از مقام الوهیت و خدایی تنزل کرده به صورت بشری به زمین آمد و خود را به کشتن داد تا موجب آموزش گناهان مردم مصر باشد. یونانیان نیز در میان خدایان خدائی را می‌پرستیدند که فرزندش «گریوس» را به زمین فرستاد تا کشته شود و خون او باعث شفاعت مجرمان گردد. همچنین این عقیده را برخی از بوداییان در بساره بودا داشته‌اند. به دائره المعارف فرید و جدی و کتاب جلوه مسیح مراجعه شود.

(۲) داستان گناه موروثی انسانها و قربانی شدن عیسای مسیح برای زدودن این معصیت، در رساله پولس به رومیان باب ۵ جمله‌های ۱۸ - ۱۲ نیز آمده است.

(۳) مذاهب بزرگ (از سری چه می‌دانم) ص ۱۰۵

است . با آنکه حس گناه زدگی از طریق گناه موروثی، در عصر ما بسیار کم شده اما هر چه تاریخ را به عقب ورق می‌زنیم، مشاهده می‌کنیم که عقده گناه زدگی در انسان‌ها بزرگترین عقده‌های روانی آنان است (۳)

این بود خلاصه ای از تعالیم انجیلی پیرامون گناه، و راهی که این اناجیل و رساله‌ها برای جبران گناه موروثی نشان داده‌اند؛ جز گستاخ کردن انسانها در ارتکاب گناه و ویرانی اساس تربیت و قوانین اخلاقی و کشتن روح فضیلت و پاکی نتیجه‌ی دیگری در بر نخواهد داشت! به دیگر تمبیر: مذهب که باید عامل اصلاح، و پرورش اندیشه‌های درست انسانها باشد. در مسیحیت به صورت يك عامل نیرومند تباهی و ناپاکی در آمد و افکار پیر و ان خود را به گمراهی کشانید. بدین جهت «راسل» فیلسوف معروف انگلیسی می‌گوید: «تصور می‌کنم مذهب به صورتی که امروز در کلیساها رواج دارد مانع هر نوع فکر شرافتمندانه و صحیح می‌باشد» (۴)

گناه بخشی کشیش به جای مسیح با آنکه محتویات کتابها و رساله‌های مذهبی مسیحیت پیرامون گناه، مخالف منطق و خرد و برخلاف ادیان راستین آسمانی، برداشت افسانه‌ای و خرافی دارد که بایست رهبران روحانی مسیحیت

بدون گناه نمی‌باشد (۱)

به این ترتیب، تعالیم مسیحیت بزرگترین ضربه را بر شخصیت و حیثیت انسانی وارد می‌کند و بشر را موجودی که گناه و آلودگی با سرشش عجین شده باشد، قلمداد می‌نماید، ولی آیا خرد آدمی باور دارد که انسان در ارتکاب گناهی گناهی که او هیچ گونه اختیاری از خود نداشته تحقیر و توبیخ شود؟ و آیا جاهلانه و افسانه نیست که برای کفاره این گناه ذاتی تنها ایمان به «مسیح فادی» (۲) را کافی بدانند از این رو «لاندمان» فیلسوف و روانشناس معروف می‌گوید: «این گناه زده بی‌تقصیر که قربانی گناه موروثی می‌باشد و بعنوان مرتکب واقعی گناه گرفته می‌شود در این پیچ و خم هستی چه کند؟ اگر آدم و حوا آینده فرزندان خود را با ارتکاب گناه اولیه به خطر انداختند، پس انسانی که در انجیل به کرات به نارسائی فهم در تشخیص خیر و شر نسبت داده شده در ارتکاب گناه بی‌تقصیر است و نیازی به فدیة و کفاره نخواهد داشت .. با اینحال، می‌بینیم آگاهی از ارتکاب گناه موروثی که وسیله آدم و حوا انجام شد و (به عقیده مسیحیان) شر آن دامن بشریت را گرفت، آنقدر مردم مغرب زمین را تحت تأثیر قرار داده است که آثارشوم آن پس از تضعیف اعتقادات دینی در قرون جدید و عصر حاضر، هنوز هم مشهود

۱ - قاموس کتاب مقدس ص ۷۵۳.

۲ - یکی از القاب عیسی «فادی» است به قاموس کتاب مقدس ذیل کلمه فدیة مراجعه شود.

۳ - انسان شناسی فلسفی ص ۸۰-۹۳.

۴ - جهانیکه من می‌شناسم ص ۲۹.

طبق «سیره دائمی» خود آن را در جهت اصلاح ، دگرگون می‌ساختند، مع‌الاسف مغزهای موهوم‌ساز در راه جذب مسیحیت به کلیساها و بهره‌کشی از توده مسیحی به شدت بکار افتاد.

چنانکه «جان الدر» می‌نویسد: تا حدود سال چهارصد میلادی ، موضوع اعتراف به گناه در نزد کشیش، کمتر جریان داشت و اگر چنین اعترافی صورت می‌گرفت در دوره کلیسای اولیه و اعظ دعا می‌کرد که «خدا ترا بیا مرزد و ببخشايد».

اما در حدود سال (۱۲۰۰ میلادی) این عبارت به این صورت درآمد « من ترا می‌بخشم » و ضمناً اینطور تعلیم داده می‌شد که وقتی کشیش این جمله را بکار برد، و این کلمات از دهان او صادر می‌شد خدا راهی جز آرزیدن و بخشیدن نداشت... این روش خطرناک که در نتیجه‌ی برخورد با لیدن و ادعای قدرت نمودن ممکن است باعث عجب و نخوت روحانی گردد از اظهار یک نفر کشیش « باواری » در سال (۱۸۷۲) معلوم می‌شود که می‌گفت: .. مقام ما از مقام فرشتگان آسمان هم برتر است ! زیرا ما در عوض خدا می‌توانیم گناهان مردم را ببخشیم!!» (۱)

آری! این غرور و نخوت روحانی گردانندگان کلیسا. آنان را بر این داشت که این عقیده خرافی و بی‌اساس را به مسیحیان تفهیم یا تحمیل کنند که اعمال نیک و کمالات و فضیلت‌های عیسی و یاران خاص او ، مانند گنج‌هایی ذخیره گردیده و کلید آنها در

اختیار پدران روحانی قرار دارد و آنها می‌توانند (حتی در برابر گرفتن پول) مقداری از آن نیکبها و ثوابهای ذخیره شده را به هر فردی که بخواهند عطا کنند و گناهان او را محو و نابود سازند!

به دنبال این عقیده، پوج و موهوم ، قدرت فوق العاده ای برای پاپها و سرمداران کلیسا بوجود آمد. زیرا بدینوسیله اختیار بخشش گناه و فروش بهشت جاودانی در دست آنان قرار گرفت. اربابان کلیسا از این موقعیت روحانی خود استفاده نموده و آمرزش نامه‌ها درست می‌کردند و آنرا به دست کشیشان و خطباء کلیساها سپرده آنان را به سوی مسیحیان گسیل می‌داشتند تا آن آمرزش نامه‌ها را که به منزله «سند مالکیت بخشی از بهشت»! و رهایی از دوزخ بود . به پیروان مسیح بفروشدند ؛ گاهی کشیها از زبان پاپ به مردم می‌گفتند : «فلان مبلغ پول بدهید تا از مکافات و کفاره‌ی گناهان در امان باشید» (۲)

بازار فروش این آمرزش نامه‌ها هنگامی رواج یافت ، که پاپ تصمیم گرفت کلیسای معروف «سن پتر» را در رم بنا کند. برای این کار که باید سیل پول به سوی رم سرازیر گردد، کار به حدی بالا گرفت که سخن از آمرزش شخص پول دهنده گذشت و کلیسا اعلام کرد که هر کس می‌تواند بسا خرید بر گهای آمرزش حتی اقوام و نزدیکان خود را هم از عذاب برزخ نجات بخشد!

«آلبرت اسقف» راهبی را بنام «تستل» با بیا هوئی

۱ - تاریخ اصلاحات کلیسا ص ۶۲

۲ - مادرتین لوتر ص ۴۸

همفکران او با مسیحیت کنونی که اسکلت از هم پاشیده آن اکنون نمودی از حرکت و حیات مذهبی تحریف شده است ، قابل توجه می باشد .

آنان به انکار و مخالفت عیسایی برخاسته اند که جانشینانی چون پاپها و کاردینالها و اسقفها دارد . عیسایی که در تمام ادوار تاریخی ؛ با پیشرفت و توسعه علم و دانش مخالف است و دادگاه تفتیش عقاید تأسیس می کند و بندگان خدا را به جرم کشف حقایق علمی و مرئنه شدن زنده زنده در آتش می سوزاند . عیسایی که ثروت مند و بی رحم و استثمارگر است و به پیروانش بهشت می فروشد و به ازای پول ، گناهان شان را می بخشاید . عیسایی که در زد و بندهای استثماراری با خداوندان زورورسهم و کاخ و اتومبیل و خدم و حشم و گارد مسلح دارد . عیسایی که بر سر منابع ثروت ملت های ستمکش و عقب مانده با دولتهای استثماراری معامله می کند و از هر نمدی کلاه می خواهد . عیسایی که علیه ملت های اعم از مسلمان و غیر مسلمان حکم « جهاد » می دهد و صلیب خود را با خون مسلمانان غسل « تعمید » می دهد . نه عیسای واقعی و پیامبر بزرگ و راستین خدا .

عجیبی برای انجام این مقصود به سوی شهرها و دهات فرستاد . او مردم را گرد خود جمع کرد و آنان را بدینگونه موعظه داد :

دای مردم ! بدانید آنان که توبه کرده و نزد کشیش به گناهان خود اعتراف نموده پول پرداخته اند ؛ همه گناهان آنها آمرزیده خواهد شد . به صدای عزیزان تن که در دل خاک سرد خفته اند گوش فرا دهید ، آنها به شما التماس می کنند و می گویند به ما رحم کنید ما در عذاب و شکنجه ای جان فرسایی هستیم و شما می توانید با هدیه کوچکی ، ما را از این شکنجه برهانید ...

آیا نمی خواهید با اندک پول ، روح و روان ما از عذاب و آزارهایی یابد ؟ آیا پراستی می خواهید ما را همچنان در دل شعله های آتش باقی گذارید و ما را نومید سازید ؟ ای مردم ! بدانید که شما می توانید آنان را نجات بخشید . زیرا همینکه صدای سکه ای که در صندوق اعانه می افکنید بلند شود روح آنها در عالم برزخ نجات می یابد » (۱)

بدینسان ، رهبران کلیسا در لباس مذهب به اغفال و استثمار مردم مسیحی پرداختند و از این راه ثروت های کلانی اندوختند .

بنا بر این ، عداوتها و مخالفت های « راسل » و

(۱) مارتین لوتر من ۵۰ نقل از قرآن و کتابهای آسمانی دیگر .